

به نام خدا

ارزشیابی درس فارسی و نگارش ششم دبستان برتران ارجان (دی ماه 1401)

نام و نام خانوادگی :

1	<p>معنی کلمات زیر را بنویسید. ایثار : متدین : دلیرانه : محاصره : چیره : وسعت : بند : رویداد : ملال : دامن : مرغزار :</p>
2	<p>یکی از آثار نویسندگان زیر را بنویسید. حکیم ابوالقاسم فردوسی : محمدبن علی سمرقندی : واعظ کاشفی : نظامی :</p>
3	<p>به نثر ساده بنویسید. خیز و غنیمت شمار جنبش باد ربیع از آن پس نهاد از بر خاک ، سر فردا اگر درنگ کنی ، کوچه های شهر نالای موزون مرغ ، بوی خوش لاله زار چنین گفت کای داور دادگر میدان جنگ تن به تن و تانک با تن است</p>
4	<p>برای کلمات زیر یک هم خانواده بنویسید. منابع = قصد = معلم = جاری =</p>
5	<p>تعداد جمله های بیت های زیر را مشخص کنید. دریا قلی ! رکاب بزن ، یا علی بگو چشم انتظار همت تو دین و میهن است ای دلیل زنده بودن ، ای سرودی صادقانه ، ای دلیل زنده ماندن ، جان پناهی جاودانه ، ای وطن خرد را نیست تاب نور آن روی برو از بهر او ، چشم دگر جوی</p>

6	<p>نهاد و گزاره جمله زیر را مشخص کنید. ما پدیده ها را خوب و دقیق می بینیم.</p>
7	<p>تفاوت قالب غزل و مثنوی چیست ؟ شکل آنها را رسم کنید</p>
8	<p>در بیت های زیر آرایه های تضاد ، مبالغه ، تناسب ، تشبیه ، جان بخشی را مشخص کنید</p> <p>کم گوی و گزیده گوی ، چون در تا ز اندک تو جهان شود پر</p> <p>بزد تیغ و بنداخت ازبر، سرش فرو ریخت چون رود ، خون از برش</p> <p>دریا قلی ! به وسعت دریاست نام تو تاریخ در تلفظ نام تو الکن است</p>
9	<p>کدام واژه با بقیه متفاوت است.</p> <p>علم علوم عمل</p>
10	<p>در هر جمله ، زیر کلمه ی درست خط بکشید.</p> <p>شهید دریاقلی سورانی با فداکاری شگفت انگیز خود مانع (سقوط - صقوط) شهر آبادان شد.</p> <p>معلم از جای (برخاست - برخواست) و گفت : خیلی عالی بود.</p>
11	<p>در متن زیر غلط های املائی را بیابید و درست آنها را در جای خالی بنویسید.</p> <p>مردم و مدافعان آبادان ، به مقابله با دشمن پرداختند و توانستند در نبردی نابرابر ، که به نام عملیات زوالفقاری معروف است ، نفوز دشمن را به آبادان ناکام بگزارند و او را با طنفات بسیار و شکستی سخت به عقب برانند .</p>

12 در مورد ضرب المثل شکر نعمت ، نعمت افزون کند یک بند بنویسید. (3 سطر)

13

پاسخ آزمون فارسی هشتم دبستان برتران ارهان کبجان

۱) اینبار از خود گذشته؟ قدیم؛ دلیرانه؛ شجاعانه؛ صحابه؟
 صبره؛ مسلط؛ وصفت؛ بزرگی؛ بلند؛ زنجان؛ رو برادر؛ حاد؛
 فلان؛ ویر؛ دامان؛ دامن؛ مرگزار؛ سبزه زار

۲) حکیم ابوالقاسم فردوسی؛ شاهنامه؛ مهد بن کلی سمرقندی؛ سداباد نام؛
 واحظ کاشفی؛ انوار سعیدی؛ نظامی؛ مخزن الاسرار

۳

- بلند شو و از این فرصت استفاده کن و از یاد بهاری و قشور آواز پرندگان و طبیعت لذت ببر.
 - رستم سر خودش را از خاک گذاشت و گفت: ای خداوند کادل.
 - دریا علی اثر دزدک کنی و به مردم خبر آید و دشمنان را زهی تمام کوهی ها سمرعیان جنگ با مردم است.

۴) منابع؛ منبع؛ قصر؛ مقصود؛ معلم؛ علم؛ جاری؛ جاری؛

۵) دریا علی؛ رگاب نزن؛ یا علی بلو؛ هشتم اشعار هفت ترمین و مین است؛ ۴ جمله
 ۱) ای دلیل زنده بودن؛ ای کردی مادقانه؛ ۲) ای دلیل زنده ماندن؛ جان پناهی جاودانه؛ ای وطن؛ ۵ جمله
 خرد را نیست تاب ندر آن دی؛ برو از بهر او چشم رگر جوی؛ ۳ جمله
 ۱) ۲) ۳) ۴) ۵)

۶) فایده ها را خوب و دقیق می بینیم.
 گزاره

(۷) نخل؟ * *
* *
* *

مثنوی: ° °
△ △
□ □

در قالب نخل مصراع اول با مصراع ها زوج هم قافیه است.

در قالب مثنوی مصراع ها هر بیت هم قافیه هستند.

تفاوت: در قالب مثنوی در بعضی بیت ها

قافیه وجود دارد اما در نخل فقط بیت اول و بیت هفتم هم قافیه اند

(۸) بیت اول مصراع دوم آرامه تفاده اندک و پر * بیت دوم مصراع دوم صبا لغم جاری شدن خون

بیت دوم مصراع اول دروم تناسب! سرد و پر (چلو) * بیت سوم مصراع اول تشبیه در اقلی به دریا

بیت سوم مصراع دوم جلن بخشی! تاریخ و الکن *

(۹) کحل (۱۰) جمله ی اول! سقوط جمله ی دوم! برخاست

(۱۱) جمله ی اول! ذو الفقاری جمله ی دوم! نفوذ و پلزارتر و تلفات

(۱۲) معنی اینکه ما اگر همدیگر شکر گزار خواهیم و بر نعمت ها که به ما داده از او شکر کنیم خداوند باز هم به ما نعمت می دهد پس ما باید خدا را شکر کنیم و بابت نعمت ها که به ما داده از او بیاس داری کنیم.

(۱۳) آفریدگار را باید پرستید و بر نعمت او بیاس داری باید کردن. هیچ جمله نلغید. بر خوب فکر کردن، لازم است (زیاد کنید) آرام بگیرد و یادداشت کرده بر سر فهم این دانه و ارتباط آنها با یکدیگر گفت دگو، دریافت خود را بازگو کنید. رکاب دار سرایه از کوه پاست آمد و آنچه دیده بود به عرض رسانید و جامی آب سرد از ظرفی که همراه داشت به شاه داد. من پیوسته بر زبان شما جاری هستم و با گوش، چشم، ذهن و بکم با جانان همراهم. گنیز بگوئید که همواره با هم و کاهبان سین باشیم.

دوان جام، رسم با جادوی روبروی شود، جادو، خست با بقدر غیب و نرنگ، نرد رسم ما آید

اما ریاضی، همچون درسی فرسان بود با لام وجود تلاش هر کرد از میان کشه ها دکن و آتش همواره ها بنزد فرودتر از سر بران بوش، خود را به نظر برساند.